



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۳/۲۸

محمد صالح گردش

کلمه پتهمن



کلمه «پتهمن» در اوستای پور داود چنانکه در هات ۴۶ بند ۴ آمده است، به معنی راه، گرفته شده است و این کلمه را با کلمه «پتها» چنانکه در هات ۳۱ بند ۹ آمده و در گزارش پهلوی راس(راه) شده است، و نیز با کلمه «پتهی» در فرس هخامنشی پیوند داده است.

این قلم با معنی هر دوی این کلمه در گزارش پهلوی و در زبان فارسی در مخالفت قرار دارد، و کلمه پتهمن را به معنی عزتمند می‌دانم، چنانکه در باره همین کلمه در آثار قبلی ام نیز به طور اختصار اشاره هایی داشته‌ام؛ زیرا کلمه «پتمن» در زبان پشتو به معنای عزتمند است و ریشه آن نیز در زبان پشتو، «پت» به معنی عزت خواهد بود. شاید کلمه پت، یکی از کلمه‌های زبان سانسکریت بوده باشد، به خاطر آنکه هندی‌ها، پشتون‌ها را «پتان» می‌گویند که به معنی بزرگان و صاحبان عز و جاه و منزلت خواهد شد. همچنان «دند پتان» یکی از ساحات بزرگ و اسم یکی از ولسوالی

های ولایت پکتیاست که می‌شود ریشه و معنی این کلمه را در السنه خود همین مردم که عزت و حرمت است، پی‌گیری نمود. کلمه دند از این دیدگاه از ریشه کلمه «دئینگو» (دنگو)ی اوستایی ست که در بعضی جاها به هیأت «دخیو» آمده است و این همان کلمه‌ی ست که در فرس هخامنشی، «دهیو» شده است. ر.ک: (آرامگاه مهر. ص ۸۰ همین قلم) دهیو همان است که در زبان پارسی «ده» شده است و امروزه ده، اطلاق به محله کوچکی می‌شود، ولی بعد از عصر زردشت، چنانکه در زمان هخامنشیان نیز دهیو اطلاق به سرزمین‌های بزرگی می‌شده است قسمی که داریوش در یکی از کتیبه‌هایش در بهستون چنین گوید: «اینها (هستند) دهیو‌ها (سرزمینها) که از آن من شدند و بخواست اهورامزدا من پادشاه‌شان شدم: پارس، شوش، بابل، آشور، عربستان، مصر...» ر.ک: (یادداشت‌های گاتها، ص ۱۳۰) پس کلمه ده در زبان پارسی امروز که از ریشه کلمه دهیو است، نمی‌تواند از لحاظ بزرگی در مساحت، دهیو دوران هخامنشی و دئینگو دوره اوستایی باشد. کلمه «دند» نیز که از دید این قلم از ریشه کلمه دئینگو خواهد بود و در ترکیب اسم سرزمین‌های چون «دند شمالی» و «دند پتان» باقی مانده است، نسبت به ده از لحاظ مساحت تا جایی می‌تواند مثل معنی دئینگو اوستایی و دهیو دوران هخامنشی باشد.

در باره کلمه پتها می‌افزایم که ریشه این کلمه نیز در زبان پشتو موجود است و آن کلمه «پته» به معنی آشکار و معلوم است و از این دید کلمه «پیدا» در زبان پارسی نیز از همین ریشه خواهد بود. کلمه پتهی چنانکه این هیأت در فرس هخامنشی آمده است، ریشه کلمه «پتی» خواهد بود که در زبان پشتو و هم فارسی مردم افغانستان کاربرد دارد و به معنی گرد است. چنانکه پتی‌ها یا گرد‌ها توسط پلوان‌ها یا راه‌های باریک از هم جدا، آشکار و نشانه می‌گردند. از آن جایی که راه‌ها و جاده‌ها، محل‌هایی ست که در نتیجه آمد و شدن‌ها آشکار و هویدا و نشانی می‌گردند، از همین جهت خواهد بود که کلمه پتها در گزارش پهلوی به معنی راس(راه) شده است، و این برداشت و معنی در زبان پهلوی از روی قرینه و سیاق کلام بوده می‌تواند و نه عمق و جوهر معنی این کلمه، و طوری که یاد آور گردیدیم ریشه و معنی این کلمه در زبان پشتو موجود است. از یک نظر دیگر جزء اول کلمه پتهمن را از ریشه کلمه پتی می‌دانم که در بند ۱۱ از هات ۴۵ آمده است و این کلمه در هات ۵۳ بند ۴ به هیأت پنیتهی آمده است که در گزارش پهلوی در بند ۱۱ هات ۴۵، پت شده است و در توضیح نوشته شده است خوتای (خدای). جزء دوم کلمه پتهمن که «من» است در اوستای پور داود و اوستا شناسان دیگر دو معنی دارد، یکی «ماندن» و دیگری «اندیشیدن». به این صورت کلمه پتمن مجازاً به معنی بزرگ اندیش(فراخ اندیش) خواهد بود. اما از دید این قلم جزء من در بعضی کلمات در زبان اوستایی، پساوندی ست که در زبان فارسی به هیأت «مند» در آمده است، ولی در زبان پشتو به همان هیأت

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

اوستایی آن موجود است مانند کلمه های شتمن، هودمن و... ر. ک: (کلمه ایشتی، همین قلم) کلمه پتی که در زبان پهلوی پت شده است، در زبان پارسی به هیأت «بَد» به معنی بزرگ و پیشوا در جزء بعضی کلمه ها چون، هیربَد، باربَد، درستبَد و... در پسوند کلمات باقی مانده است، که به معنی بزرگ و پیشواست. ر. ک: (آریاوچ سرزمین کهن، مقاله باربَد یا باربَد. همین قلم). پس، از این دید و نظر همان گونه که کلمه افغان ریشه به کلمه بگ(فغ) به معنی خدا و بزرگ دارد، کلمه پتان نیز از چنان معنایی برخوردار است.

فرهنگ، نهاد و یا بستر پرورشی پشتون ها بسیار بزرگ و جامع و انسانی ست و امروز که بعضی ها به افکار و اندیشه های طالبانی و داعشی برچسب های قومی و تباری می زنند و آن اندیشه ها را به فرهنگ پشتون ها نسبت می دهند، از فرهنگ اصیل پشتون ها چیزی نمی دانند. اندیشه های دُگم طالبانی مربوط فرهنگ پشتون ها نیست و طالب و داعش را به گونه های مختلف در میان همه اقوام باشنده ی این سرزمین و هم سرزمین های دیگر می توان سراغ نمود و اندیشه های طالبانی و داعشی، ریشه در برداشت ها و توجیه هایی از مقوله های دین و آیین ما دارد. من که پیش از پیدایش گروه های طالب و داعش در مناطق پشتون ها زیاد رفت و آمد و نشست و برخاست نموده ام، به هیچ وجه رفتار و منش های انسان دوستانه و جوانمردانه آن ها فراموشم نخواهد شد. «پشتونوالی» اگر چه یک فرهنگ قومی و سنتی به نظر می رسد، اما آن فرهنگ در حقیقت یک فرهنگ فراگیر انسانی و جوانمردانه است و در جرگه های بزرگان پشتون، حق هیچ انسانی ولو از هر قوم و تبار و مذهبی باشد تلف نخواهد شد؛ زیرا بزرگانی که در چنان جلسه ها می نشینند و فیصله می نمایند هیچ چیزی جز حقیقت و حقانیت برای شان ارج ندارد. از همین جهت است که مردمان شبه قاره هند با عزت و اکرام به این طایفه، پتان خطاب می نمایند.

در اخیر به یک موضوع دیگر نیز می پردازم که نوشته های بر جا مانده از اوستا و نوشته های پهلوی عاری از اشتباه های نوشتاری نخواهند بود. ممکن است که کلمه پتھمن در اصل پتمن و از ریشه کلمه پئیتهی(پت) بوده باشد و چنین اشتباه ها را در نوشته های اوستایی متوجه شده ام. به طور مثال، هیأت «مَرَک» که در هات ۳۱ بند ۱۸ آمده به معنی تباهی و مرگ گرفته شده است، و در بند ۱ همان هات هیأت «مهرک» نیز به معنی تباہ کردن گرفته شده است. ازین بر می آید که یک سلسله اشتباه ها در نوشتار موجود است. همین بود که هیأت مَرَک را که در بند ۱۸ هات ۳۱ آمده است، کلمه «مَرَه گه»(مشوره و گفتگو) در زبان پشتو از ریشه کلمه «مَر» که در اوستا بر علاوه معنی مرگ به معنی اُشمردن نیز بوده است، دانسته ام. ر. ک: (کلمه «مر» در اوستا، همین قلم)

پایان